
پرسش ها و پاسخ ها
پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

## موضوع:

## احکام؛ روزه و اعتکاف

بسم الله الرحمن الرحیم

**پرسش** نویسنده: علی تاریخ: ۱۳۹۶/۲/۴

در چه روزهایی روزه گرفتن حرام یا مکروه است؟

آیا درست است که در صورت داشتن روزه مستحبی، اگر قبل از اذان ظهر کسی ما را میهمان به خوردن کند باز کردن روزه و قبول دعوت او استحباب بیشتری دارد؟

**پاسخ** تاریخ: ۱۳۹۶/۲/۱۰

لطفاً به نکات زیر توجّه فرمایید:

**الف)**

روزه‌های حرام به ترتیب زیرند:

۱ . روزه گرفتن در روزهای قربانی

روزه گرفتن در روز عید قربان برای عموم مسلمانان و در روزهای تشریق یعنی یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی الحجّه برای حاجیان در سرزمین منا جایز نیست؛ زیرا این‌ها روزهای قربانی هستند که خداوند امر به خوردن و خوراندن در آن‌ها همراه با شکرگزاری کرده و فرموده است: ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ ۖ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ﴾[1]؛ «تا نزد منافعی برای خود حاضر شوند و نام خداوند را در روزهای معیّنی بر چهارپایانی که روزی‌شان کرده است ببرند، پس از آن‌ها بخورید و به بی‌نوای نیازمند بخورانید».

---

۱ . الحجّ/ ۲۸

۲ . روزه گرفتن در روز فطر

بنا بر روایات متواتر از رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم، میان مسلمانان اختلافی نیست که روزه گرفتن در روز عید فطر -مانند روزه گرفتن در روز عید قربان- جایز نیست؛ زیرا این روز، روز افطار بعد از یک ماه روزه‌داری است؛ چنانکه خداوند به روزه گرفتن در ماه رمضان امر کرده و فرموده است: ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾[۱]؛ «پس هر کس از شما در این ماه حاضر باشد باید روزه بگیرد» و این مفید یا مناسب آن است که چون این ماه سپری شد و ماه دیگر فرا رسید افطار کند.

۳ و ۴ . روزه گرفتن در حال بیماری و سفر

روزه گرفتن در حال بیماری و سفر جایز نیست؛ چراکه خداوند از آن نهی کرده و فرموده است: ﴿فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾[۲]؛ «پس هر کس از شما بیمار یا در سفری بود، پس به شماره از روزهایی دیگر (روزه بگیرد)».

۵ . روزه‌ی وصال

روزه گرفتن یک شبانه‌روز بدون افطار جایز نیست؛ چراکه خداوند از آن نهی کرده و فرموده است: ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ﴾[۳]؛ «و بخورید و بیاشامید تا آن گاه که خطّ سپید فجر از خطّ سیاه برایتان روشن شود، سپس روزه را تا شب ادامه دهید» و این به معنای آن است که ادامه دادن روزه بعد از شب و اجتناب از خوردن و آشامیدن تا فجر با اختیار جایز نیست.

۶ . روزه گرفتن در یوم الشکّ با نیّت ماه رمضان

روزه گرفتن در روزی که معلوم نیست از ماه رمضان یا از ماه شعبان است با نیّت ماه رمضان جایز نیست؛ چراکه عبادت باید از روی یقین باشد و عبادت مبتنی بر شک صحیح نیست و این مراد روایاتی است که از روزه گرفتن در آن نهی کرده‌اند، ولی اگر با نیّت ماه شعبان باشد اشکالی ندارد، اگرچه بعداً معلوم شود که ماه رمضان بوده؛ چراکه عبادت با این نیّت مبتنی بر استصحاب است و استصحاب در چنین مواردی -هرگاه ناشی از جهل قصوری به واقع باشد- موجب یقین به تکلیف می‌شود. وانگهی این روزه از روزه‌ی ماه رمضان کفایت می‌کند؛ زیرا اگرچه با نیّت ماه شعبان گرفته شده، امتثال امر خداوند بوده که فرموده است: ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾[۴]؛

۱ . البقرة/ ۱۸۵
۲ . البقرة/ ۱۸۴
۳ . البقرة/ ۱۸۷
۴ . البقرة/ ۱۸۵

«پس هر کس از شما در این ماه حاضر باشد باید روزه بگیرد»؛ با توجّه به اینکه چنین کسی در این ماه حاضر بوده و روزه گرفته، هر چند برای او بهتر است که روزی دیگر را با نیّت قضاء آن روزه بگیرد؛ خصوصاً با توجّه به اینکه بنا بر مبنای منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، رؤیت هلال ماه با چشم مسلّح و در هر یک از آفاق کافی است و با این وصف، جهل قصوری به فرا رسیدن ماه رمضان در زمان حاضر بعید به نظر می‌رسد[1].

۷. گرفتن روزه‌ی غیر واجب هرگاه سبب عملی حرام یا مانع از عملی واجب شود.

گرفتن روزه‌ی غیر واجب هرگاه سبب عملی حرام یا مانع از عملی واجب شود، جایز نیست؛ مانند گرفتن روزه‌ی غیر واجب به شکرانه‌ی معصیت یا هنگامی که سبب باز ماندن از نماز واجب یا کسالت در آن می‌شود یا مورد نهی شوهر یا سبب رنجش پدر و مادر است.

۸. گرفتن روزه‌ی سکوت

گرفتن روزه‌ی سکوت به معنای قرار دادن کلام به مثابه‌ی یکی از مفطرات روزه جایز نیست؛ چراکه خداوند مفطرات روزه را به خوردن، آشامیدن و آمیزش جنسی محدود کرده و شامل کلام ندانسته است و با این وصف، افزودن کلام بر آن‌ها تشریع محسوب می‌شود که جایز نیست؛ مگر اینکه کسی نذر یا عهد یا عزم کند که در حین روزه با غیر خداوند سخن نگوید بدون اینکه آن را مفطر روزه قرار دهد؛ چراکه سخن گفتن با غیر خداوند در غیر ضرورت واجب نیست و با این وصف، خودداری از آن هرگاه سبب ترک واجب یا ارتکاب حرامی نشود اشکالی ندارد، بلکه غالباً سودمند است؛ چنانکه خداوند به مریم علیها السلام فرمود: ﴿فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا﴾[2]؛ «پس هرگاه کسی از بشر را دیدی بگو من برای خداوند روزه‌ای نذر کرده‌ام، پس امروز با هیچ انسانی سخن نمی‌گویم» و این ظاهر در آن است که سخن نگفتن او با مردم جزء روزه نبوده، بل در حین روزه بوده است که اشکالی ندارد؛ همچنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: أَلَا تَنْهَى رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِكَ يَصُومُ يَوْمًا وَيَجْعَلُ لِلَّهِ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَسْكُتَ فِيهِ؟! قَالَ: يَسْكُتُ إِلَّا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَإِقْرَاءِ الضَّيْفِ فَإِنْ تَكَلَّمَ فِي غَيْرِ ذَلِكَ صَحَّ صَوْمُهُ وَعَلَيْهِ كَفَّارَةُ الْعَهْدِ! ثُمَّ قَالَ: صِيَامٌ كَصِيَامِ مَرْيَمَ عَلَيْهَا السَّلَامُ»[3]؛ «به منصور گفتم: آیا مردی از یارانت را نهی نمی‌کنی که روزی را روزه می‌گیرد و برای خداوند بر عهده‌ی خود قرار می‌دهد که در آن سکوت کند؟!

۱. در این باره بنگرید به: پرسش و پاسخ ۶۴ و ۱۵۰.
۲. مریم/ ۲۶
۳. گفتار ۱۵۳

فرمود: سکوت می‌کند مگر از ذکر خداوند و بر پا داشتن نماز و امر به معروف و نهی از منکر و پذیرایی از مهمان، پس اگر در غیر این‌ها سخنی بگوید روزه‌ی او صحیح است و بر عهده‌ی او کفّاره‌ی عهد است! سپس فرمود: روزه‌ای است مانند روزه‌ی مریم علیها السّلام».

**ب)**

روزه‌های مکروه به ترتیب زیرند:

۱. روزه‌ی دو روز بعد از روز فطر و روز قربان

روایاتی از اهل بیت پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم در دست است که بر کراهت روزه‌ی دو روز بعد از روز فطر و روز قربان دلالت دارند؛ چراکه این‌ها روزهای شادمانی و مناسب خوردن و آشامیدنند[۱]. هر چند روایات دیگری نیز رسیده است که روزه‌ی شش روز بعد از روز فطر را مستحب و معادل روزه‌ی همه‌ی سال دانسته‌اند[۲] و طریق جمع آن‌ها این است که بگوییم: روزه‌ی دو روز بعد از روز فطر برای کسی که قصد روزه‌ی چهار روز بعد از آن‌ها را ندارد مکروه است، ولی برای کسی که قصد روزه‌ی چهار روز بعد از آن‌ها را دارد، مستحب محسوب می‌شود.

۲. روزه‌ی روز عاشوراء به تنهایی یا با نیّت تیمّن به آن

بنا بر روایات اسلامی، روزه گرفتن در روز عاشوراء میان اهل جاهلیّت در مکّه و یهودیان در مدینه رواج داشته، هر چند میان مسلمانان نیز تا پیش از نزول روزه‌ی ماه رمضان معمول بوده، ولی پس از نزول روزه‌ی ماه رمضان متروک شده است[۳] و با این وصف، روزه‌ی آن سنّت محسوب نمی‌شود و استحباب خاصّی ندارد، بلکه اگر به تنهایی یا با نیّت تیمّن به آن باشد مکروه است؛ چراکه تشبّه به غیر مسلمانان محسوب می‌شود؛ چنانکه در روایتی از عبد الله بن عباس رسیده است: «حِينَ صَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ وَأَمَرَ بِصِيَامِهِ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّهُ يَوْمٌ تُعَظِّمُهُ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: فَإِذَا كَانَ الْعَامُ الْمُقْبِلُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ صُمْنَا الْيَوْمَ التَّاسِعَ، قَالَ: فَلَمْ يَأْتِ الْعَامُ الْمُقْبِلُ حَتَّى تُوُفِّيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»[۴]؛ «هنگامی که رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم در روز عاشوراء روزه گرفت و به روزه گرفتن آن امر کرد، گفتند: ای رسول خدا! آن روزی است که یهود و نصارا آن را گرامی می‌دارند!

۱. بنگرید به: الكافي للكليني، ج۴، ص۱۴۸؛ الإستبصار للطوسي، ج۲، ص۱۳۲.
۲. بنگرید به: مسند أحمد، ج۵، ص۲۸۰؛ صحيح مسلم، ج۳، ص۱۶۹؛ سنن ابن ماجه، ج۱، ص۵۴۷؛ سنن أبي داود، ج۱، ص۵۴۴؛ سنن الترمذي، ج۲، ص۱۲۹؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج۴، ص۲۹۲.
۳. بنگرید به: اختلاف الحديث للشافعي، ص۴۹۸؛ مسند أحمد، ج۱، ص۲۹۱ و ج۲، ص۱۴۳ و ج۴، ص۴۰۹، ۴۲۴ و ۴۵۵؛ سنن الدارمي، ج۲، ص۲۲؛ صحيح البخاري، ج۲، ص۲۲۶؛ صحيح مسلم، ج۳، ص۱۴۷ و ۱۴۸.
۴. صحيح مسلم، ج۳، ص۱۵۱؛ سنن أبي داود، ج۱، ص۵۴۶؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج۴، ص۲۸۷

پس رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم فرمود: با این وصف، اگر سال آینده بیاید ان شاء الله روز نهم را روزه می‌گیریم، ابن عباس گفت: پس سال آینده نیامد که رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم از دنیا رفت»؛ همچنانکه بنا بر روایتی دیگر فرمود: «خالِفُوا فِيهِ الْيَهُودَ، صُومُوا قَبْلَهُ يَوْماً أَوْ بَعْدَهُ يَوْماً»[1]؛ «با یهود درباره‌ی آن مخالفت کنید، (به این صورت که) روزی پیش از آن یا روزی پس از آن را هم روزه بگیرید»؛ خصوصاً با توجّه به آنکه این روز نظر به شهادت اهل بیت پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم در آن شایسته‌ی تیمّن نیست[2]. آری، روزه گرفتن در آن بدون قصد تیمّن برای کسی که پیش یا پس از آن را روزه گرفته است، کراهت ندارد؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ صِيَامِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ، فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ، ثُمَّ قَالَ: لَا تَصُمْهُ إِلَّا أَنْ تَصُومَ قَبْلَهُ أَوْ بَعْدَهُ، وَلَا تَصُمْهُ مُتَيَمِّنًا بِهِ، فَإِنَّمَا تَيَمَّنَ بِهِ الْيَهُودُ وَالَّذِينَ ظَلَمُوا، وَلَا بَأْسَ بِالنِّكَاحِ فِيهِ إِذَا صَادَفَهُ، وَإِنَّمَا يُكْرَهُ لِمَكَانِ الدُّفِّ»[3]؛ «از منصور درباره‌ی روزه‌ی روز عاشوراء پرسیدم، پس فرمود: اشکالی ندارد، سپس فرمود: آن را روزه نگیر مگر اینکه پیش یا پس از آن را روزه بگیری و آن را از روی تیمّن به آن روزه نگیر؛ چراکه تنها یهودیان و کسانی که ستم کردند به آن تیمّن جستند و ازدواج در آن هرگاه با آن مصادف شود اشکالی ندارد و تنها به خاطر دف (یعنی جشن و شادمانی) کراهت دارد».

۳. روزه‌ی روز جمعه به تنهایی

روزه گرفتن در روز جمعه بدون روزه گرفتن در روز پنج‌شنبه یا شنبه کراهت دارد و این به سبب روایات فراوانی از پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم است که در نهی از آن رسیده است[4].

۴. روزه‌ی غیر واجب میهمان هرگاه سبب رنجش میزبان مؤمن شود.

روزه‌ی میهمان، به سه شرط کراهت دارد و شایسته‌ی افطار است:

یکم اینکه روزه‌ای غیر واجب باشد؛ چراکه اگر روزه‌ای واجب مبتنی بر نذر یا عهد یا قسم یا کفّاره یا قضاء باشد، کراهتی ندارد، اگرچه موجب رنجش میزبان شود و با این وصف، افطار آن برای جلوگیری از رنجش میزبان جایز نیست.

---

۱. مسند ابن الجعد، ص۳۴۹؛ مسند أحمد، ج۱، ص۲۴۱؛ صحيح ابن خزيمة، ج۳، ص۲۹۱؛ شرح معاني الآثار للطحاوي، ص۷۸؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج۴، ص۲۸۷؛ فضائل الأوقات للبيهقي، ص۴۴۶

۲. بنگرید به: گفتار ۴۱، فقره‌ی ۱۱.

۳. گفتار ۴۱، فقره‌ی ۱۱

۴. برای این روایات، بنگرید به: مصنف عبد الرزاق، ج۴، ص۲۷۹؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج۲، ص۴۵۹؛ مسند أحمد، ج۲، ص۲۸۶، ۳۶۵ و ۳۹۴ و ج۳، ص۲۹۶ و ج۶، ص۴۴۴؛ صحيح مسلم، ج۳، ص۱۵۴؛ سنن ابن ماجه، ج۱، ص۵۴۹؛ سنن أبي داود، ج۱، ص۵۴۱؛ سنن الترمذي، ج۲، ص۱۲۳؛ دعائم الإسلام لابن حيّون، ج۱، ص۲۸۵؛ عيون أخبار الرضا لابن بابويه، ج۲، ص۷۹؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج۴، ص۳۰۱.

دوم اینکه سبب رنجش میزبان باشد؛ چراکه اگر سبب رنجش او نباشد، وجهی برای کراهت آن نیست و تبعاً افطار آن مستحب محسوب نمی‌شود؛ مگر اینکه افطار آن سبب خشنودی او باشد؛ چراکه در این صورت نیز افطار آن مستحب محسوب می‌شود.

سوم اینکه میزبان «مؤمن» باشد؛ چراکه رنجاندن «مؤمن» بدون ضرورت جایز نیست، بلکه خشنود ساختن او با کاری مشروع هرگاه با لحاظ ایمان او و برای خداوند باشد، عبادت محسوب می‌شود و چه بسا ثوابی بیش از ثواب روزه‌ی غیر واجب دارد. با این وصف، روزه‌ی غیر واجبی که سبب رنجش میزبان مؤمن می‌شود مستحب نیست، هر چند در صورتی که با قصد رنجاندن او نباشد حرام محسوب نمی‌شود. از این رو، روایات فراوانی از اهل بیت پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم رسیده که به افطار چنین روزه‌ای در صورت خواهش میزبان مؤمن تشویق کرده است[1].

این‌ها روزه‌های حرام و مکروه در اسلامند.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی
بخش پاسخگویی به پرسش‌ها




۱ . بنگرید به: المحاسن للبرقي، ج۲، ص۴۱۱؛ الكافي للكليني، ج۴، ص۱۵۰؛ ثواب الأعمال وعقاب الأعمال لابن بابويه، ص۸۲.